

بررسی فقهی نسب و آثار حقوقی آن در شبیه‌سازی انسان

مصطفی عامری سیاهویی*، علیرضا عسگری**، سید محمد مهدی احمدی اصفهانی***، احمد مرادخانی****

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۰۵)

چکیده

شبیه‌سازی یا کلونینگ، از روشهای نوپیدای عالم پزشکی در درمان ناباروری است که برخلاف تولید مثل طبیعی، تولید موجود زنده بدون انجام عمل لقاح و حاصل ترکیب یک سلول جسمی و یک سلول جنسی می‌باشد. حق انتساب طفل به پدر و مادر خود، یکی از اساسی‌ترین حقوق انسانی به شمار می‌رود. مقاله حاضر در پی پاسخ‌گویی به سؤالات و چالش‌های موجود در بررسی فقهی وضعیت نسب در طفل شبیه‌سازی شده است. در اینجا تولید مثل جنسی با منشأ دوگانه (پدر و مادر) در خصوصیات ژنتیکی طفل و تولید مثل شبیه‌سازی با منشأ واحد (پدر یا مادر) مورد مقایسه قرار می‌گیرند. هرکدام از فرض‌های موجود، نتایج متفاوتی به دست می‌دهد که جنبه‌های مختلف آن در آرای فقهای امامیه بررسی می‌شود و در پایان آرای آن دسته از فقهای که معتقدند طفل شبیه‌سازی شده فاقد پدر است مورد انتقاد قرار گرفته و نظر مختار بیان می‌گردد که اولاً نسب در شبیه‌سازی وجود دارد ثانیاً پدر و مادر صاحب سلول به عنوان پدر و مادر فرزند کلون شده، یعنی صاحب سلول و فرزند حاصل از صاحب سلول، دوقلوی هم محسوب می‌شوند. و همچنین با حکم به مشروعیت شبیه‌سازی، آثار نسب از جمله حرمت نکاح، حضانت طفل، ولایت قهری، الزام به انفاق، وصیت و توارث، همانند سایر فرزندان دیگر را بر طفل شبیه‌سازی شده بار می‌شود.

کلیدواژگان

تولید مثل، شبیه‌سازی، صاحب تخمک، صاحب سلول، نسب.

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: nashrbasirat@gmail.com

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

*** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

**** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

مقدمه

شبیه‌سازی که در زبان عربی به آن استنساخ گفته می‌شود، دانش و فناوری زایش و تکثیر جاندار از غیر مسیر طبیعی است. در این علم بر خلاف مسیر طبیعی که سلول تخم «نطفه» از ترکیب سلولهای جنسی نر و ماده تشکیل می‌شود از تکثیر هسته یک سلول غیر جنسی در سلول جنسی ماده به دست می‌آید.

سؤال اصلی این است که با تولد طفل شبیه‌سازی شده چه اتفاقاتی به وقوع خواهد پیوست. مفاهیمی چون خانواده، اصل و نسب، هویت شخصی، وراثت و غیره چگونه تحت تأثیر این واقعه قرار خواهند گرفت و فرد شبیه‌سازی شده چه جایگاهی در جامعه و روابط اجتماعی خواهد داشت.

از آنجا که در این فن‌آوری محوریت بر «انسان» است، لاجرم پای برخی مسائل فقهی و حقوقی نیز به میان می‌آید که یکی از این مسایل بررسی وضعیت نسب است به طوری که فقها دیدگاه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند گروهی به دلیل نبودن لقاح طبیعی بین زن و مرد، معتقد به نسب نامشروع هستند و حقوقی برای این افراد قائل نیستند، برخی معتقد به نسب مشروع و یا نسب ناشی از نزدیکی به شبهه می‌باشند در نتیجه به دلیل صدق عنوان تولد برای این اطفال، قائل به وجود نسب بوده و حقوق فرزندان طبیعی را جهت حمایت از این اطفال و عدم سوء استفاده از آنها برای پیشبرد اهداف انسان، بار کرده‌اند، بنابراین در صورتی که صاحب سلول جسمی مرد باشد، پدر طفل و در صورتی که زن باشد، مادر وی محسوب خواهد شد.

در این نوشتار سعی شده ضمن بررسی فقهی وضعیت نسب در شبیه‌سازی انسانی در دیدگاه فقهای امامیه، آثار حقوقی آنها از جمله نکاح، حضانت، ولایت، نفقه، وصیت و ارث تبیین گردد تا به بسیاری از سؤالات پاسخ داده شود.

مفهوم شناسی

مفهوم شبیه‌سازی

واضح است که هر واژه‌ای که بیان شود یک معنایی به ذهن متبادر می‌کند واژه شبیه‌سازی نیز از

این قاعده مستثنی نیست و اثره کلون که برگرفته از کلون یونانی است به لحاظ لغوی به معنای شاخه کوچک (گونتر کان، ۱۶۶، ۱۳۸۴) ترکه یا شاخه یا قلمه است که برای نخستین بار توسط شخصی بنام وبر در سال ۱۹۰۳ در راستای توصیف گیاهانی که به لحاظ وضعیت گیاهی و نباتی تکثیر می‌گردند، استعمال گردید. (صارمی، ۱۳۸۲، ۷۵).

در مفهوم نوین، شبیه‌سازی در معنای تولید مثل غیر جنسی یا سلول بدنی است که طی آن هسته سلول غیر جنسی به طور مستقیم درون تخمک تزریق می‌شود و اسپرم در آن دخالت ندارد حال آنکه در تولید موجود زنده بر خلاف روال از ترکیب یک سلول نر و یک سلول ماده به وجود نیامده‌اند، اما از نظر ژنتیکی کاملاً شبیه انسان با همان ویژگی‌های انسانی است که به هر یک از موجودات جدید را کلون یا موجود شبیه‌سازی شده می‌گویند دانشمندان نیز آن دسته موجودات جدید را کلون یا شبیه‌خطاب می‌کنند که از نظر ژنتیکی (وراثت) همسان باشد. (محمدی ۱۳۸۷؛ ۳۴)

هر سلول بالغ تناسلی انسان اعم از زن و مرد دارای ۲۳ کروموزوم می‌باشد یعنی هم اسپرم و هم تخمک انسان بالغ، به طور جداگانه دارای این تعداد کروموزوم هستند بر خلاف سایر سلول‌های بدن که ۴۶ کروموزوم دارند. کروموزوم‌هایی که در بدن انسان قرار دارند حامل ژن‌هایی هستند که دارای خصوصیات ژنتیکی می‌باشند و هر کدام از این ژن‌ها جنسیت فرد را هم تعیین می‌کنند. نکته دیگر اینکه از این ۲۳ کروموزومی که در این سلول اعم از اسپرم یا تخمک وجود دارد ۱ کروموزوم مربوط است به جنسیت که در تخمک فقط به صورت X در اسپرم به صورت XY وجود دارد در نتیجه در حالت طبیعی وقتی که زن و مرد باهم آمیزش می‌کنند اسپرم با تخمک زن که آن هم واجد ۲۳ کروموزوم است ترکیب می‌شود و در ضمن هر جنین برای شکل‌گیری نیاز سلول لقاح یافته‌ای با ۴۶ کروموزوم یا ۲۳ جفت کروموزوم دارد در غیر این صورت جنینی شکل نخواهد گرفت پس از لقاح این یاخته ۴۶ کروموزومی می‌تواند تقسیم شود و تبدیل به جنین شود. (خوئینی و سهرابی، ۱۳۸۶، ۶۹)

اما در شبیه‌سازی بعد از خالی کردن هسته مرکزی تخمک زن سلول دیگری را که از بدن مرد یا زنی گرفته شده به جای آن هسته مرکزی درون تخمک زن جایگزین می‌کنند و سپس آن را در

محیط مناسب آزمایشگاهی قرار می‌دهند تا شروع به تکثیر سلول کند و در نتیجه فرد جدید که کاملاً همان فردی است که سلول وی درون تخمک زن قرار گرفته، به وجود خواهد آمد با همان خصوصیات وراثتی یکسان و کاملاً مشابه با نسخه اصلی ابتدایی است. برای مثال دی ان ای و اثر انگشت مشابه با فردی است که سلول از آن گرفته شده است. (طباطبایی لطفی، ۱۳۸۵، ۷۵)

مفهوم نسب

در اسلام خانواده از جایگاه والایی برخوردار است به گونه ای که نکاح، دارای اهمیت بوده و فرزند متولد شده دارای نسب مشروع می‌باشد. با این حال تعریف روشنی از نسب در فصل هشتم قانون مدنی، ارایه نشده است، همچنین اتفاق نظری میان فقها و حقوق‌دانان وجود ندارد.

نسب در زبان فارسی به معنی نژاد است. (معین، ۱۳۷۵: زیرواژه) و از نظر لغوی به معنای قرابت، اصل نژاد، خویشاوندی و پیوستگی بین دو شیء (انسان) است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل نسب). در اصطلاح فقها عبارت است از منتهی شدن ولادت شخصی به دیگری مانند پدر و پسر، یا ولادت دو شخص به شخص ثالث مانند دو برادر به یک پدر (نجفی، ۱۴۰۱، ۲۹، ۲۳۸).

در حقوق این‌گونه آمده است: قرابت و خویشاوندی است و امری است که به واسطه انعقاد نطفه از نزدیکی زن و مرد به وجود می‌آید. از این امر طبیعی خونی بین طفل و آن دو که یکی پدر و دیگری مادر می‌باشد، موجود می‌گردد. (امامی، ۱۳۵۴، ۱۵۱).

در تعریف دیگری که با روح قانون سازگارتر می‌باشد، بیان شده نسب عرفاً و لغتاً رابطه ای است که از پیدایش یک انسان از نطفه انسان دیگر انتزاع می‌شود. (شهیدی، ۱۳۸۲، ۱۱۴). با توجه به تعاریف ارایه شده باید گفت یکی از مسایلی که در جامعه با آن روبرو هستیم تشخیص نسب فرد شبیه سازی شده است که بین فقها اتفاق نظری درباره آن وجود ندارد؛ به نحوی که برخی نسب این افراد را مشروع دانسته (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۲، ۶۲۲) و برخی آن را نامشروع گفته (علیان نژاد، ۱۳۸۶، ۲۶؛ طباطبایی، ۱۳۸۵، ۸۵) و عده ای نیز نسب این شخص را به سان فرزندان ناشی از نزدیکی به شبهه، دانسته‌اند. نزدیکی به شبهه در صورتی است که مرد با زنی به تصور اینکه بین آنها رابطه زوجیت بوده است، نزدیکی کند؛ در حالی که چنین رابطه ای بین آنها وجود

نداشته است که این عمل را وطی به شبهه نیز گویند و اگر فرزندی از آن به دنیا آید «ولد شبهه» گفته می‌شود و نسب او نسب ناشی از شبهه است. (صفایی و امامی، ۱۳۷۶: ۸۹).

نسب فرزندان حاصل از فرآیند شبیه‌سازی

فقه‌های امامیه صرف نظر از فروض و حالت‌های مختلفی که در این فرآیند وجود دارد نظرات خود را به شرح ذیل بیان می‌دارند:

مسأله انتساب طفل شبیه‌سازی شده به پدر

در این باره دو دیدگاه از سوی فقها طرح می‌شود:

دیدگاه اول: عدم انتساب به پدر

عده‌ای از ایشان با استناد به تعریف عرف از نسب و تأیید آن از سوی شارع معتقدند که طفل شبیه‌سازی شده پدر ندارد. (حائری، ۱۳۸۵، ۱۹۱؛ جواهری، ۱۳۸۵، ۹۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۲۷؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۲۰، ۲۱). این گروه دلایل ذیل را برای اثبات نظر خود بر شمرده‌اند:

- پدر عرفاً یعنی صاحب سلول جنسی و در این مورد چنین سلولی وجود ندارد پس این طفل اساساً از نطفه‌ی مرد نیست (جواهری ۱۳۸۵، ۹۵). همان‌طور که در قرآن کریم (سجده، ۸) معیار بنوت شخصی با شخص دیگر خلقت از جز او نیست بلکه خلقت از اسپرم (منی) اوست (طباطبایی حکیم، ۱۴۲۰، ۹۶).

- ابوت فرع بر افرام منی است و زوجیت در این جا نقشی ندارد (جواهری، ۱۳۸۵، ۹۵).

- مرجع در تعیین نسب، عرف است نه چیز دیگر و شارع مقدس در ترتیب احکام آن بر عرف اعتماد نموده است. بر ما واجب است که با علم به موضوع و عرف برای درک این موارد رجوع کنیم؛ اما هیچ مشکلی نیست که حکم به اثبات نسب میان فرد شبیه‌سازی و اهدا کننده تنها به خاطر تشابه و بدون تحقق ضوابط نسبی عرفی معهود درست نیست؛ بلکه بر ما لازم است که این تشابه را نادیده انگاریم و حکم به این امر دهیم که آنان با هم بیگانه‌اند و هیچ ارتباط نسبی با هم ندارند (طباطبایی حکیم، ۲۳، ۱۴۲۰-۲۲).

البته قائلان این نظر، در همه فروض مطروح در شبیه سازی، طفل شبیه سازی شده را فاقد پدر دانسته‌اند؛ لیکن این نظر در جای خود محل مناقشه‌ی جدی است زیرا به فرض که عرف، امروزه چنین تصویری از پدر دارد که در جای خود محل بحث است؛ اگر این فهم عرفی به زودی تغییر کند در آن صورت باید به تبع عرف از این نظر دست برداشت و انگهی به نظر نمرسد ما دلیلی داشته باشیم که تحقق نسبت فرزندى به «افراغ منى» باشد هرچند غالباً چنین است. لیکن اگر فردی نزد حاکم شرع رفت و مدعی شد که به یاد نمی‌آورد هنگام آمیزش افراغ منی کرده باشد، آیا به صرف آن می‌تواند نفی ولد کند؟ اینجاست که باید از این قیده‌های زاید دست کشید (اسلامی ۱۳۸۵، ۵۸) و تنها ملاک را همان فراش زوجیت و امکان الحاق دانست به همین سبب برخی از فقها در فرض وقوع، شخص شبیه سازی شده را به والدین یعنی پدر و مادر شرعی نه بیولوژیک خود، ملحق می‌سازد یعنی معتقدند از نظر شرعی برای تحقق ابوت لازم نیست که احراز شود فرزند حتماً از «نطفه مرد» است. آنچه شرعاً موجب الحاق فرزند به پدر می‌شود همان فراش است و بس. کافی است که فرزند در دایره زوجیت پدید آمده باشد و دلیلی بر خلاف آن در دست نباشد تا فرزند زوجین به شمار رود.

این قاعده چنان استوار است که حتی پدر نیز نمی‌تواند فرزند را از خود نفی کند. پس لازم نیست که فرزند لزوماً از نطفه پدر باشد و این مسأله احراز شود؛ بلکه معیار فراش زوجیت و امکان الحاق است و بس (همو، ۵۷).

دیدگاه دوم: انتساب به پدر

بعضی از فقها قائل به تفکیک میان فرض اول و دوم و فرض سوم شده‌اند و بر این اساس، قائلند در فرضی که سلول جسمی از مرد گرفته شود و در تخمک منفعل زن قرار داده شود، فرزند تنها به پدر ملحق می‌شود نه مادر، و گفته‌اند که در اینجا فرزند تنها از آن پدر است؛ زیرا وی محصول هسته سلول جسدی پدر است از نظر آنان اگر هسته از مادر باشد وی تنها دارای مادر خواهد بود (اسلامی، ۱۳۸۵، ۵۸). زیرا آنچه با تکثیر شدن رشد و نمو می‌کند همان هسته نطفه است و سیتوپلاسم موجود در پیرامون آن به منزله غذایی آن هسته تلقی می‌شود (مؤمن، ۱۳۸۴، ۱۱۰؛

موسوی بجنوردی، ۲۸۲، ۱۳۸۱). همچنین عده‌ای از این گروه میان اهدای سلول، از سوی زوج و فرد بیگانه فرقی نگذاشته‌اند و در هر دو صورت، طفل را دارای پدر دانسته‌اند. این گروه دلایل زیر را برای نظر خویش اقامه کرده‌اند:

- استناد به صحیح محمد بن مسلم که در باره مساحقه زنی با دختری بود که موجب بارداری دختر شد و در آن، حکم به الحاق فرزند به پدرش شد. همان‌طور که در روایت دیگر آمده است: «انما الولد للصلب و المراه و عاء» (موسوی سبزواری، ۱۴۲۲، ۱۵۷).

- در مشروع بودن این پدر یا مادر عقد شرعی شرط نیست؛ زیرا عقد شرعی در جایی لازم است که فرزند از طریق تلقیح سلول‌های جنسی به دنیا بیاید. بدین ترتیب نسب این طفل از هر جهت روشن می‌شود و با اطلاق ادله نسب، تمام احکام نسب بر او مترتب می‌شود. فرض انصراف ادله نسب به نسب حاصل از ازدواج طبیعی، انصراف بدوی ناشی از آن است که در عصر صدور روایات تنها از این طریق نسبت برقرار می‌شده است (حائری، ۴۴، ۳۸۷؛ محسنی، ۴۱۰، ۱۳۸۲). اما گروهی دیگر، شبیه‌سازی را تنها میان زوجین، شرعی می‌دانند و طفل حاصل از این فرآیند را ولد شبه می‌خوانند (شبستری، ۱۲۸، ۱۳۸۶؛ ولی زاده و دیگران ۱۹۱، ۱۳۸۵).

اما عده‌ای دیگر از این گروه، علاوه بر این که صاحب سلول را پدر طفل می‌دانند، برای این طفل قائل به وجود مادر نیز شده‌اند و تنها وی را منتسب به پدر یا صاحب سلول نمی‌دانند. (جناتی، ۲۱، ۱۳۸۵؛ زنجانی، همان، ۳۴؛ تسخیری، ۱۳۸۶، ۶۷؛ شبستری، ۱۳۸۶، ۱۲۶؛ موسوی سبزواری، ۱۴۲۳، ۱۵۹). البته ذکر این نکته خالی از ضرورت نیست که در صورتی که صاحب سلول، تخمک و رحم، یک زن باشد، قطعاً آن طفل فاقد پدر است، مثل ولد لعان.

در فقه آمده است که پس از انجام لعان میان زوج و زوجه با شرایط شرعی، ولد از زوج شرعاً نفی می‌شود و فرزند شرعاً بدون پدر است. در این صورت تفاوتی ندارد که زن شوهر داشته باشد یا خیر (موسوی سبزواری، ۱۴۲۳، ۱۵۹).

البته همان‌طور که در ذیل نظریه اول گفته شد، می‌توان از طریق قاعده فراش این طفل را به پدرش ملحق نمود.

مسأله انتساب طفل شبیه سازی شده به مادر

در شبیه سازی انسانی تعدد عنوان مادری میان صاحب رحم، صاحب تخمک و صاحب سلول مطرح می گردد. بر این اساس تعدد و گوناگونی نظرات بیشتر به چشم می خورد. علما و فقها در این زمینه دو دیدگاه اصلی دارند:

انتساب به مادر

این دیدگاه خود به دو دیدگاه متفاوت تقسیم می شود:

۱. عدم تعدد عنوان مادری

این گروه بین حالات مشارکت و عدم مشارکت زنان متعدد فرق نگذاشته و نظریات ذیل را اتخاذ نموده اند.

الف) انتساب به صاحب رحم

عده ای از فقها در فرآیند شبیه سازی، صاحب رحم را مادر طفل به حساب می آورند. البته این نظر تمام نیست، زیرا بدون شک از نظر عرف مادر حقیقی زن صاحب تخمک است. معیار مادری در میان عقلا روشن است و آن این است که نطفه از تخمک او باشد؛ همان گونه که پدر، کسی است که فرزند از سلول های او به وجود می آید آیه ۲ سوره ی مجادله نیز بر غیر از این دلالت ندارد. ظاهر سیاق آیه در صدد تعریف مادر در صورت تعبدی نیست، بلکه در مقام بیان این نکته است که مادر حقیقی برای مردی که زن خود را ظهار کرده، مادری است که او را به دنیا آورده است، نه زنی که او را ظهار کرده و گمان می کند همانند مادر اوست (حائری، ۱۳۸۷، ۴۱-۴۰).

ب) انتساب به صاحب تخمک

گروهی از فقها ملاک مادر بودن را همچون ملاک پدر بودن می دانند و در نتیجه، مادر کسی جز صاحب تخمک نمی باشد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲، ۳۹۶؛ حائری شبستری، ۱۳۸۶، ۱۲۲؛ سیستانی، همان، ۱۲۶). بنابراین از نظر این فقها در جایی که صاحب سلول و صاحب تخمک متفاوت هستند صاحب تخمک مادر طفل شبیه سازی شده محسوب می شود.

ج) انتساب به صاحب سلول

از نظر این عده، صاحب سلول در واقع (چه مرد باشد و چه زن) والد آن طفل به حساب می‌آید. آیت الله معرفت و آیت الله مؤمن جزو این گروه هستند که برای نظر خویش چنین استدلال می‌کنند:

اولاً- عرف، صاحب سلول را پدر یا مادر به شمار می‌آورد و در منابع فقهی (آیات مربوط به خلقت انسان از آب یا نطفه و سایر آیات که اشاره به مشتقات ولادت مثل والدین، مولود له والدادت دارد و احادیث معتبر) دلیلی مبنی بر نفی این موضوع وجود ندارد. پس در این جا می‌توان به فهم عرف اعتماد نمود و وی را والد طفل دانست (محسنی، ۱۳۸۲، ۴۰۹).

ثانیاً- با رجوع به کتب لغت و کتب فقهی آشکار می‌شود که واژه «الام» به معنای اصل هر چیز است و این تعریف، بر زن صاحب تخمک که جنین را در رحم خود پرورش داده و از او متولد شده، صدق می‌کند و با توجه به معنای لغوی و تأیید شارح (زیرا شارح وضع ویژه ندارد) و عدم صدق زنا بر شبیه‌سازی، نسب شرعی میان آنان برقرار است (موسوی سبزواری، ۱۴۲۳، ۱۲۹).

۲. نظریه تعدد عنوان مادری

در این دیدگاه، آرای ذیل را در اطلاق نسبت مادری می‌توان اشاره کرد:

الف) انتساب به صاحب رحم و صاحب سلول باهم

آیت الله جناتی صاحب سلول را مادر طفل شبیه‌سازی شده و صاحب رحم را مادر رضاعی او می‌داند. (جناتی، ۱۳۸۵، ۲۱) البته در نقد این نظر باید گفت: عده‌ای با دو مقدمه در صدد اثبات نظر فوق هستند:

مقدمه نخست: طبق اصل رضاع، اگر زنی بدون آنکه طفل را در رحم نگه‌داری کند و آن را به دنیا آورد فقط به او شیر داده باشد بدون شک همین شیر دادن خویشاوندی رضاعی ایجاد می‌کند و جایگزین خویشاوندی نسبی می‌شود.

مقدمه دوم: تأثیری که مادر نگه‌دارنده در رشد گوشت و خون و استخوان طفل دارد، بسیار بیشتر از تأثیری است که در رشد آن از راه شیر دهی به وجود می‌آید. پس می‌توان ادعا کرد که از نظر عرف تأثیر آن در ایجاد نسبت مادری، اولویت دارد.

پاسخ این ادعا آن است که تمام ملاک در ایجاد خویشاوندی رضاعی که جایگزین خویشاوندی نسبی است رشد گوشت و بدن طفل از رضاع نیست، بلکه شرایط تبعیدی دیگر نیز دارد؛ مثلاً روایت صحیح‌السند دلالت می‌کند که اگر زنی بدون زاییدن فرزندی شیرش جاری شود و با آن طفلی را شیر دهد موجب محرمیت نمی‌شود. این حکم صریح صحیح‌ه یونس بن یعقوب است. روایت موسی بن عمر بصری نیز به همین مضمون است ولی از نظر سند کامل نیست.

همچنین، همه‌ی فقهای ما فتوا داده‌اند که شیری که از زنا تولید می‌شود، موجب محرمیت نمی‌شود. نیز نصوص کاملی در باب «ما یحرم بالرضاع» دلالت می‌کنند بر آن‌که ملاک محرمیت شوهری است که شیر از اوست، نه خود زن. (حائری ۱۳۸۷، ۴۱-۴۴) آیت الله عزالدین زنجانی نیز طفل را به صاحب سلول و صاحب رحم هر دو منتسب می‌داند. (جناتی، ۱۳۸۵، ۳۴).

ب) انتساب به صاحب تخمک و صاحب رحم با هم

عده‌ای دیگر از فقها، ملاک انتساب فرزند به مادر را هر دو عامل یعنی پیدایش فرزند از تخمک و دیگری حمل فرزند و ولادت وی از مادر می‌دانند، این گروه خود به سه دسته تقسیم می‌شوند:

دسته نخست: جمع هر دو عامل را کنار هم برای صدق عنوان مادری، لازم می‌دانند (موسوی سبزواری، ۱۴۲۳، ۱۵۸).

دسته دوم: هریک را به تنهایی مادر محسوب می‌کنند؛ این گروه معتقدند که هر دو زن برای طفل مادر محسوب می‌شوند. آیت الله فاضل لنکرانی از این نظر پیروی می‌کند (جمععی از نویسندگان، ۱۳۸۲، ۲۹۵).

دسته سوم: معتقدند که هر دو مادر عرفی هستند. این گروه معتقدند که اگر چه نتوان هر دو را مادر نسبی به حساب آورد، اما فرزند با هر یک از صاحب تخمک و صاحب رحم یک نوع ارتباطی دارد و هر دو را می‌توان به عنوان مادر رضاعی تلقی کرد (رضانیا، ۱۳۸۳، ۳۲۰).

ج) انتساب به صاحب تخمک و صاحب سلول با هم

این نظر متعلق به آیت الله صافی گلپایگانی است که پیش از این، ایشان قائل به نظریه عدم انتساب بودند. (www.safi.ir)

د) انتساب به صاحبان هسته و سیتوپلاسم با هم

این دیدگاه اختصاص به آیت الله جواهری دارد (شبستری ۱۳۸۶، ۱۳۰). ایشان معتقدند که مادر کسی است که فرزند از او و از تخمک او تولد یافته باشد، در اینجا چون فرزند، تکوین یافته از هسته و سیتوپلاسم است بنابراین صاحب هسته و صاحب سیتوپلاسم هر دو باهم مادر این فرزند خواهند بود. اگر بر ما اعتراضی شود که عرف تعدد عنوان مادری را نمی‌پذیرد، پاسخ ما این است که عرف این مفهوم را می‌پذیرد ولی در تشخیص مصداق اشتباه می‌کند و خطای عرف در مصداق در صورت پذیرش مفهوم، اعتباری ندارد (جواهری، ۱۳۸۵، ۹۶). البته این نظر از سوی آیت الله مؤمن مردود شناخته شده است، زیرا زن صاحب سیتوپلاسم، تنها نطفه‌ای را که مربوط به آن پدر و مادر است، تغذیه نموده است و رحم وی جایگاه مناسب برای رشد و نمو و تغذیه کردن آن به وسیله رحم زن دوم و استفاده این نطفه از آن محل مناسبی بوده است و گرنه صرف اینکه سیتوپلاسم رشد نمی‌کند بلکه به سان غذای مناسبی برای رشد نوزاد مزبور است، موجب نمی‌شود که این نوزاد فرزند این زن نیز باشد. ولی این که گفته می‌شود: «مادر، همان زن صاحب تخمک است و در این جا چون تخمک از دو زن به دست آمده، بنابراین هر دو، صاحب تخمک و مادر نوزادند و بدین ترتیب، نوزاد دارای دو مادر است، پس دارای اشکال است»، ما تسلیم این گفته نمی‌شویم که معیار مادری، صرفاً تخمکی است که از زن گرفته شده است؛ بلکه رشد تخمک، معیار مادر شدن آن زن است و در این جا این معنا در مورد زن صاحب هسته قابل تحقق است نه زن صاحب سیتوپلاسم (مؤمن، ۱۳۸۴، ۱۰۶).

عدم انتساب به مادر

دیدگاه دیگری نیز از سوی بعضی فقها مطرح شده است که براساس آن، طفل شبیه سازی شده، فاقد هرگونه نسب است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۲۷؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۲۰، ۲۲؛ موسوی تبریزی، ۱۳۸۶، ۱۲۱). دلایل این گروه به شرح زیر است:

عده‌ای از فقها که صاحب تخمک را مادر می‌دانند با استناد به دلیل زیر در اینجا نظر به عدم انتساب به مادر می‌دهند:

عنوان مادری تنها برای صاحب تخمک محقق است و چون در شبیه سازی، طفل از تمام

تخمک ایجاد نمی‌شود؛ بلکه تنها از جزئی از آن ایجاد می‌شود پس منتسب به صاحب تخمک نیست و در نتیجه فاقد مادر است (طباطبایی حکیم، ۱۴۲۰، ۲۲).

عده‌ای دیگر از فقها معتقدند که صاحب رحم مادر است و براین اساس، با استناد به آیه ۲ سوره مجادله، نظریه عدم انتساب به مادر را تقویت می‌نمایند. این گروه بر این اعتقادند که قید موجود در این آیه، حصر عنوان امومت را به ولادت از طریق طبیعی و عادی می‌رساند. پس چون فرد شبیه‌سازی شده از طریق طبیعی به دنیا نیامده بنابراین مادری برای او وجود ندارد (موسوی سبزواری، ۱۴۰، ۱۴۲۳).

پاسخ: حق آن است که این آیه شریفه در ارتباط باظهار نازل شده و این آیه در مقام بیان امومت تکوینی نیست که مادر طفل شبیه‌سازی شده به حساب می‌آید. البته لازم به ذکر است که می‌توان این آیه را حمل بر امر شایع نمود پس شبیه‌سازی، مانع از انطباق عنوان ولادت بر طفل شبیه‌سازی شده پس از انتقال سلول به رحم مادر و به دنیا آمدن او نیست (موسوی سبزواری، ۱۴۰، ۱۴۲۳). بنابراین از نظر این عده طفل شبیه‌سازی شده از نظر نسبی با کسی در ارتباط نیست.

قول مختار و تحلیل آن

علاوه بر آنچه گفته شد و با الهام از آن نظرات و دیدگاه‌ها نظر مختار می‌توان مطرح کرد و آن عبارت است از این‌که پدر و مادر صاحب سلول، پدر و مادر شبیه‌سازی شده هستند و این بچه در حقیقت دوقلوی صاحب سلول محسوب می‌شود نه اینکه به عنوان فرزند صاحب سلول به حساب بیاید. دلیل این نظر، اظهار نظر عرف خاص یا همان متخصصان و خبرگان در رشته‌های «جنین شناسی» و «مهندسی ژنتیک» است. قول مختار مبتنی بر تحلیل‌هایی است که شرح آن به قرار زیر است:

تحلیل قول مختار و برگزیده: اولاً از طریق اصل اباحه و جواز به اثبات وجود نسب در شبیه‌سازی پرداخته می‌شود. نسب از جمله مفاهیمی است که فاقد حقیقت شرعی است؛ به این معنا که قبل از اسلام نیز تکون یک انسان از ترکیب نطفه مرد و زن منشأ تلقی شده است. این مفهوم، تنها در مورد زنا مورد امضای شارع مقدس واقع نشده است. (نجفی، ۱۳۶۳، ۴۱، ۳۹۸).

همچنین با توجه به روایت معروف محمد بن مسلم که در آن امام حسن (ع) طفل متولد شده از اسپرم مرد را که در اثر مساحقه به دختری باکره منتقل شده و کودکی به دنیا آمده به صاحب نطفه ملحق می‌کند، در غیر موارد زنا نمی‌توان به عدم انتساب طفل به والدین طبیعی‌اش قائل شد. (همان، ۳۹۶).

ثانیاً مرجعیت عرف خاص در مسائل مستحدثت، علی‌رغم قابلیت انعطاف احکام شرع، برخی از فناوری‌های جدید را به طور کامل نمی‌توان در چارچوب احکام موجود توجیه کرد. به عبارت دیگر، تمام مختصات این فناوری‌های جدید در شرع تبیین نشده است. از آنجا که مفاهیم مرتبط با نسب فاقد حقیقت شرعی هستند، برای پی بردن به این مفاهیم ضرورتاً باید به اصول مسلم علم مهندسی ژنتیک به عنوان عرف خاص و خبره در این حوزه رجوع کرد.

آیت الله موسوی اردبیلی در پاسخ به استفتایی چنین استدلال می‌کند: «نسب یک رابطه اعتباری است و از امر تکوینی و واقعی که همان پیدایش طبیعی طفل از والدین خود است، انتزاع می‌شود و حقیقت شرعی ندارد؛ یعنی عرف چنین اعتبار می‌کند و شرع آن را تأیید می‌کند» (به نقل از ایزدی فرد، ۱۳۸۹، ۴۶).

به هر حال مفهوم نسب، از مفاهیم عرفی است و عرف عقلاً بما هم عقلاً، یعنی متخصصین مهندسی ژنتیک، فرد شبیه‌سازی شده را ملحق به صاحب نطفه می‌داند که همانا پدر و مادر فرد صاحب سلول است. (همان)

ثالثاً دلیل اینکه گفته می‌شود پدر و مادر صاحب سلول به عنوان پدر و مادر نوزاد به حساب می‌آیند و صاحب سلول و این بچه دوقلوی هم محسوب می‌شوند این است که نسبت پدری و مادری، ناشی از زوجیت و ترکیب خزانه‌های ژنتیکی است. در شبیه‌سازی زوجیت با واسطه و به صورت غیرمستقیم ثابت می‌شود؛ اما به صورت مستقیم مسأله زوجیت کاملاً منتفی است. به بیان دیگر، طفل شبیه‌سازی شده به لحاظ برخورداری از خصوصیات ژنتیکی، بیش از ۹۸ درصد شبیه صاحب سلول است. از طرف دیگر، این نوزاد از سلول‌هایی ساخته شده که ناشی از زوجیت پدر و مادر صاحب سلول است، به این معنا که سلول‌های جسمی هر فرد، وارث خواص و اطلاعات ژنتیکی پدر و ماد خویش هستند، یعنی این طفل نیمی از اطلاعات پدر صاحب سلول و نیمی

دیگر را از مادر صاحب سلول به ارث برده که برابری می‌کند با بیش از ۹۸ درصد اطلاعات ژنتیکی صاحب سلول. با این وصف، صاحب سلول و این فرزند دوقلوی هم محسوب می‌شوند، چون هر دو از سلول‌های جنسی زن و مردی دیگر که پدر و مادرشان محسوب می‌شوند، شکل گرفته‌اند. (همان، ۴۸).

اما چه ارتباطی بین صاحب رحم و نوزاد کلون شده وجود دارد؟ در جواب می‌توان گفت، زن صاحب رحم «در حکم مادر رضاعی» او محسوب می‌شود. همان طور که اگر زنی فرزند دیگری را تنها چند مرتبه شیر دهد به عنوان مادر رضاعی او به حساب می‌آید، در این مورد هم چون فرزند را در رحم خویش نگه داشته و فرزند هم از وجود آن زن تغذیه و رشد کرده است می‌توان گفت که او در حکم مادر رضاعی است. (همان، ۴۹).

آثار نسب

بنابر مواد ۸۵۱ و ۸۷۵ ق.م. طفل زمانی دارای شخصیت خواهد بود که زنده متولد شود ولو برای لحظه‌ای زنده بماند. برای شبیه نیز از همان بدو لانه‌گزینی هسته فعال در تخمک منفعل و انتقال آن به رحم، قائل به شخصیت هستیم؛ زیرا در صورتی می‌توان از جنین حمایت کرد و آثار حقوقی را در مورد او اجرا کرد که دارای شخصیت و ماهیت معین باشد. در این مبحث با فرض مشروعیت شبیه‌سازی انسان و رفع نسب قانونی طفل، با تکیه بر حقوق مدنی و فقه به بیان احکام حقوقی حاکم بر نسب شامل حرمت نکاح، حضانت طفل، ولایت قهری، الزام به انفاق، وصیت و توارث خواهیم پرداخت:

حرمت نکاح

از معمول‌ترین و رایج‌ترین آثار فقهی مربوط به نسب، بحث نکاح است که تفاوتی بین نسب مشروع یا نامشروع وجود ندارد. ماده ۱۰۴۵ ق.م. حرمت نکاح با اقارب نسبی را اینگونه بیان کرده است: «نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است اگرچه قرابت حاصل از شبه یا زنا باشد: ۱. نکاح با پدر و اجداد و با مادر و با جدات هر قدر که بالا برود. ۲. نکاح با اولاد هر قدر که پایین برود. ۳. نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها تا هر قدر که پایین برود. ۴. نکاح با عمات و خالات خود

عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات». با زنده متولد شدن طفل آثار نکاح از جمله حرمت نکاح در مورد او قابلیت اجرا خواهد داشت. بنابراین در صورتی که طفل را مشروع بدانیم با توجه به این ماده، باید حرمت نکاح با صاحب سلول جسمی یا جنسی را در مورد وی قابل اجرا دانست. در فرض نامشروع بودن نسب طفل، با استناد به رأی وحدت رویه دیوان به شماره ۱۳۷۶/۴/۳/۶۱۷ در مورد فرزندان ناشی از زنا که زانی را مکلف به گرفتن شناسنامه کرده است، می‌توان گفت حرمت نکاح میان طفل و زانی، هم‌چنین در فرض شبیه‌سازی میان طفل و صاحب سلول جسمی نیز وجود دارد.

حضانت

نگاه داشتن طفل، مواظبت و مراقبت او و تنظیم روابط او با خارج است؛ با رعایت حق ملاقات که برای خویشان نزدیک شناخته شده است (صفایی ۱۳۸۲، ۱۱۹). حضانت در لغت پروردن است و در اصطلاح مدنی، پرورش اطفال توسط ابویان و اقارب او می‌باشد (جعفری لنگرودی ۱۳۸۶:۱۶۶۷). حضانت تنها شامل حمایت جسمی از کودک نمی‌باشد و باید از جنبه معنوی و اخلاقی نیز به آن توجه داشت. بنابراین در صورتی که طفل را ناشی از نسب مشروع یا نزدیکی به شبهه بدانیم، بنا به ماده ۱۱۷۲ ق.م. (منصور، ۳۱۷، ۱۳۸۵). شخص دهنده سلول پیکری مکلف به حضانت از طفل می‌باشد. هم‌چنین در صورتی که میان وی و شخص دهنده سلول جنسی، رابطه زوجیت برقرار باشد و صلاحیت نگهداری از فرزند خود را دارا باشند، با استناد به ماده ۱۱۰۴ ق.م. حضانت با ایشان بوده و در صورت انحلال نکاح، حضانت چه در دختر و چه در پسر تا سن هفت سالگی، با مادر خواهد بود.

ولایت

ولایت در لغت به معنی حکومت کردن، تسلط پیدا کردن، دوست داشتن، یاری دادن، دست یافتن و تصرف کردن آمده است (دهخدا، زیرواژه). قهری در لغت به معنی جبری و اضطراری است (معین، زیر واژه).

در اصطلاح حقوقی یعنی سلطه و اختیاری که قانون به جهتی از جهات به شخصی در رابط با

انجام امور مربوط به غیر می‌دهد. به شخصی که این سمت را دارد «ولی» و به ولایتی که به حکم قانون اعطا شده است، «ولایت قهری» گویند. با این حال در مورد طفل شبیه‌سازی شده، در وهله اول ولایت با صاحب سلول جسمی و در صورت فوت وی، با زوج یا زوجه و یا جد پدری است.

الزام به انفاق

نفقه در لغت به معنی هزینه، خرج و خرجی و آنچه هزینه عیال و اولاد کنند، روزی و مایحتاج معاش آمده است (معین، زیرواژه).

معنی اصطلاحی نفقه عبارت است از چیزی که برای گذران زندگی، لازم و مورد نیاز است (صفایی و امامی، ۱۳۷۶، ۱۹۱).

نفقه دهنده را منفق و نفقه گیرنده را منفق علیه می‌گویند. مصادیق نفقه در ماده ۱۲۰۴ ق.م. (منصور، ۱۳۸۵، ۳۲۳) اشاره شده است که این مصادیق تمثیلی است نه حصری و می‌توان مصادیق دیگر را به آن اضافه کرد؛ ولی مقدار آن در قانون بیان نشده است بلکه موکول به درجه استطاعت منفق و به قدر رفع حاجت انفاق شونده، نموده است همچنین شوون و وضعیت واجب النفقه نیز در این وضعیت باید رعایت شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶، ۱۱۶).

بنابراین در مورد بحث ما یعنی طفل کلون شده، نفقه با ولی او (صاحب سلول جسمی) می‌باشد و در صورت عدم استطاعت در ماده ۱۱۹۹ ق.م. «نفقه اولاد بر عهده پدر است پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق به عهده اجداد پدری است بارعایت الاقرب فالاقرب، در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها نفقه بر عهده مادر است. هرگاه مادر هم زنده و یا قادر به انفاق نباشد با رعایت الاقرب فالاقرب، به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب النفقه است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقریب مساوی باشند، نفقه را باید به حصه متساوی به تأدیه کنند». با این وجود در صورت فوت یا عدم استطاعت ولی، نفقه با اجداد بوده و در صورتی که فرد دهنده سلول ازدواج کرده است، نفقه با زوج یا زوجه خواهد بود (منصور، همان، ۳۲۵).

توارث

ارث یعنی آنچه از مال مرده به وارث رسد، ترکه، بازمانده (دهخدا، زیرواژه) در اصطلاح، حقی است که از میت حقیقی یا حکمی، به زنده حقیقی یا حکمی، در ابتدا منتقل می‌گردد قانون مدنی در ماده ۸۶۷ آورده است: «ارث بموت حقیقی یا بموت فرضی مورث تحقق پیدا می‌کند». ارث در اصطلاح حقوقی عبارت است از انتقال قهری دارایی متوفی به ورثه او (امامی، ۱۳۵۴: ۱۶۹).

همچنین در ماده ۸۶۱ق.م. نسب را به طور مطلق شرط وراثت دانسته و ولدالزنا را از این امر استثنا کرده است (ماده ۸۸۴ ق.م.). علاوه بر مورد مذکور شرایط دیگری نیز باید محرز باشد از جمله: ۱-موت مورث، ۲-وجود وارث که در ماده ۹۵۷ قانون مدنی اشاره شده است: «حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر این که زنده متولد شود.» ۳- وجود ترکه برای متوفی.

در مورد کودکان شبیه‌سازی شده در فرضی که نسب طفل شبیه‌سازی شده را مشروع بدانیم، طبیعتاً احکام ارث نیز بر او بار خواهد شد و او هم مانند سایر فرزندان ارث می‌برد مشروط بر این که در زمان موت مورث زنده باشد و یا نطفه او منعقد شده باشد؛ اما در صورتی که جنین مرده متولد شود، چنان که در ماده ۸۷۵ق.م. ذکر گردیده است، ارث به او نخواهد رسید. بنابراین این گونه گمان می‌رود در صورتی که با استفاده از ابزار پزشکی، سلول‌های جنسی و جسمی امتزاج یافته و پیش از انتقال به رحم زن، یک نفر از والدین فوت نمایند، مشمول مقررات ارث نخواهد بود. البته در فرض داشتن نیاز به شخص اهدا کننده، در صورتی که رابطه زوجیت برقرار نباشد، تنها لفظ اهدا کننده بر آنها صدق خواهد کرد و رابطه وراثتی میان آنان برقرار نخواهد بود.

وصیت

بنابر نظر فقها و طبق ماده ۸۵۱ ق.م. حمل از لحظه انعقاد نطفه از حقوق مدنی متمتع می‌گردد، مشروط بر اینکه زنده متولد شود. همچنین با استناد به ماده ۸۵۲ ق.م. «اگر حمل در نتیجه جرمی سقط شود موصی به به ورثه او می‌رسد مگر اینکه جرم مانع از ارث باشد» می‌توان این گونه نتیجه گرفت در صورتی که وارث منجر به سقط جنین شود، مالک موصی به نخواهد بود. این فرض را می‌توان در مورد کودکی که در آزمایشگاه تولید می‌شود (طفل شبیه سازی شده) نیز جاری دانست.

نتیجه

شبیه‌سازی از جمله مسائل مستحدثه و حاصل تحولات علمی و فناوری عصر حاضر است. دیدگاه‌های مختلفی پیرامون نسب در شبیه‌سازی انسان مطرح شده است؛ حق انتساب طفل به پدر و مادر خود، یکی از اساسی‌ترین حقوق انسانی به شمار می‌رود که با ورود فن‌آوری‌های جدید تولید مثل به چالش جدی کشیده شده است؛ برخی از فقها به دلیل نبودن لقاح طبیعی بین زن و مرد، معتقد به نسب نامشروع هستند و حقوقی را به این افراد قائل نیستند. تعدادی معتقد به نسب مشروع و یا نسب ناشی از نزدیکی به شبهه می‌باشند، در نتیجه به دلیل عنوان تولد برای این اطفال، قائل به وجود نسب بوده و حقوق فرزندان طبیعی را جهت حمایت از این اطفال و عدم سوء استفاده از آنها برای پیشبرد اهداف انسان، بار کرده‌اند پس آنچه مهم می‌باشد ترکیب نطفه زن و مرد و انعقاد آن در زمان زوجیت است.

بیشتر فقها با اتخاذ یک ملاک، وجود مادر یا پدر را برای طفل شبیه‌سازی شده، لحاظ کرده‌اند. اما ایرادهایی به دیدگاه عدم انتساب وارد است؛ بدین جهت که اولاً مفهوم مادری و پدری، مفاهیم عرفی هستند و حقیقت شرعی به شمار نمی‌روند. پس اتخاذ ملاکی غیر از ملاک عرف، بلا اشکال به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، در تولید مثل جنسی، فرد اطلاعات ژنتیکی را از دو نفر دریافت می‌کند، یعنی در این حالت، منشأ متعدد است، اما در شبیه‌سازی، فرد، اطلاعات ژنتیکی خود را از یک نفر دریافت می‌کند که در اینجا منشأ واحد است. بنابراین چه منشأ واحد باشد چه متعدد، وجود منشأ به تنهایی برای انتساب طفل شبیه‌سازی شده به منشأ یعنی صاحب سلول ملحق دانست، حتی اگر نتوان او را ملحق به طرفین دانست. و نظر مختار این است که پدر و مادر صاحب سلول، پدر و مادر فرزند کلون شده به حساب می‌آیند به بیان دیگر، صاحب سلول و فرزند حاصل از صاحب سلول، دوقلوی هم محسوب می‌شوند.

در پایان با حکم به مشروعیت شبیه‌سازی انسان، می‌توان آثار نسب از جمله حرمت نکاح، حضانت، ولایت، الزام به انفاق، توارث و وصیت، همانند سایر فرزندان دیگر را بر طفل شبیه‌سازی شده بار کرد؛ ضمن اینکه حق حضانت، ولایت و نفقه به عهده صاحب سلول جسمی است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. اسلامی، حسن، (۱۳۸۴)، شبیه‌سازی انسان از دیدگاه فقهای شیعه، نشریه فقه، شماره ۴۴.
۲. _____، (۱۳۸۵)، شبیه‌سازی انسان از دیدگاه فقه اهل سنت، مجله فقه، کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۵.
۳. _____، (۱۳۸۶)، شبیه‌سازی در آئین کاتولیک، مجله فلسفه و کلام (هفت آسمان)، شماره ۲۷.
۴. اصفهانی، کسرا (۱۳۸۴)، افکار عمومی و واکنش‌های سیاسی - مذهبی و فرهنگی داخلی و جهانی به پیشرفت‌های بشر در همانند سازی انسان، در (مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی اخلاق زیستی)، پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک و زیست فناوری.
۵. الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۸۰)، ترجمه قرآن کریم، قم، انتشارات فاطمه الزهراء.
۶. امامی، سید حسن، (۱۳۵۴)، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، تهران، چ پنجم.
۷. ایزدی فرد و همکاران، بررسی فقهی وضعیت نسب در شبیه سازی انسانی، فصلنامه علمی پژوهشی، دوره ۱۴، شماره ۲، (۱۳۸۹).
۸. البجنوردی، میرزا حسن، (۱۴۱۹)، قواعد الفقهاء، الهادی، قم.
۹. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، ناشر: بنیاد بعثت، تهران.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۴)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران، چ سوم.
۱۱. جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۳)، روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، سمت، تهران، چ اول.
۱۲. جمعی از مؤلفان (بی‌تا)، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

۱۳. جواهری، حسن (۱۳۸۵)، *تقسیم جنین و شبیه‌سازی*، فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، شماره ۴۷.
۱۴. حائری، سید کاظم، (۱۳۸۷)، *شبیه‌سازی انسان*، قم، مجله فقه اهل بیت، چ پنجاه و پنجم.
۱۵. حر عاملی، محمدین حسن (۱۴۰۹ق)، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، مؤسسه آل‌البیت، قم.
۱۶. حرّانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین، چ دوم.
۱۷. خرّمی، جواد (۱۳۸۲)، *شبیه‌سازی انسان*، پیام‌ها و عکس‌العمل‌ها، مجله فقه و اصول مبلّغان، شماره ۵۱.
۱۸. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶)، *تحریر الوسیله*، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، قم - ایران، ج ۴، ترجمه سید محمدباقر موسوی.
۱۹. دشتی، محمد (۱۳۸۹)، *نهج البلاغه ترجمه دشتی*، ناشر: مشهور، قم.
۲۰. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه دهخدا*، انتشارات دانشگاه تهران، چ اول.
۲۱. رضانی‌معلم، محمدرضا، (۱۳۸۲)، *باروری‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق*، بوستان کتاب، قم، چ اول.
۲۲. سهرابی، مرجان و خوئینی، غفور، (۱۳۸۶)، *بررسی تحلیلی شیعه نسبت به شبیه‌سازی*، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۳.
۲۳. شبستری، سید حسن، (۱۳۸۶)، *بررسی مشروعیت شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه فقهی*، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران، چ اول.
۲۴. شهیدی، مهدی، (۱۳۸۲)، *تلقیح مصنوعی انسان*، روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، چ اول.
۲۵. صادقی، محمود، (۱۳۸۳)، *همانندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی*، اخلاق زیستی از منظر حقوقی، فلسفی و علمی، مجموعه مقالات، نشر مشترک سازمان سمت و دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، چ اول.

۲۶. صارمی، ابوطالب، (۱۳۸۲)، شبیه سازی، خلوص، تهران، چ دوم.
۲۷. صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله، (۱۳۷۶)، حقوق خانواده، انتشارات دانشگاه تهران، چ دوم.
۲۸. _____، _____، (۱۳۷۶)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، نشر میزان، تهران، چ دوم.
۲۹. _____، _____، (۱۳۸۰)، قاسم زاده مرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، انتشارات سمت، تهران، چ دهم.
۳۰. طباطبائی حکیم، سید محمد سعید (۱۹۹۹م)، فقه الاستنساخ البشری و فتاوی، [فاقد مشخصات ناشر و محل نشر].
۳۱. طباطبائی لطفی، عصمت السادات، (۱۳۸۵)، همانند سازی انسان: احکام فقهی و پیامدهای حقوقی، فصلنامه اندیشه های حقوقی، سال چهارم، شماره پانزدهم.
۳۲. علیان نژاد، ابوالقاسم، (۱۳۸۶)، دیدگاه فقهی آیت الله العظمی مکارم شیرازی درباره دو مسأله شبیه‌سازی و راه‌های فرار از ربا، مجله پژوهش و حوزه، شماره ششم.
۳۳. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۵)، زوایای پیدا و پنهان، میزگردی در گفتگو با اندیشوران حوزه، کاوشی نو در فقه اسلامی.
۳۴. فضل الله، سید محمد حسین (۱۹۹۷م)، و آخرون، الاستنساخ جدل العلم و الدین و الاخلاق، مجموعه من المؤلفین، دمشق، دارالفکر.
۳۵. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۸)، دوره حقوق مدنی خانواده، نشر شرکت سهامی انتشار، تهران، چ اول.
۳۶. _____، _____، (۱۳۸۶)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، کتابخانه گنج دانش، تهران، چ دهم.
۳۷. _____، _____، (۱۳۹۰)، مقدمه علم حقوق، تهران، انتشارات مدرس، تهران، چ دوازدهم.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تهران، انتشارات اسلامیه.
۳۹. «گفت و گو با حضرت آیات: مومن، جناتی و معرفت»، قم، کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۶.
۴۰. گونتر، کان، (۱۳۸۴)، فرهنگ جامع اصطلاحات ژنتیک و بیوتکنولوژی، ترجمه ایمان سلحشوری و دیگران، تهران، چ اول.

۴۱. نجفی، محمدحسن، (۱۴۱۰) جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، المكتبه الاسلامیه، چ ششم.
۴۲. محسنی، محمد آصف، (۱۳۸۲)، الفقه و مسایل الطیبه، قم، بوستان کتاب، چ اول.
۴۳. مرکز الدراسات و البحاث الاسلامیه - المسیحیه (۱۹۹۹)، الاستنساخ بین الاسلام و المسیحیه، بیروت، دارالفکر البنانی.
۴۴. محمدی، زینب، (۱۳۸۶)، سلولهای بنیادین، رهیافت‌های اجتماعی، فقهی و حقوقی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال اول، شماره ۴۷.
۴۵. مصباح، سید حسین همایون، (۱۳۸۵)، شبیه‌سازی انسانی و چالش‌های دینی - فقهی، مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۷.
۴۶. معین، محمد، (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی، چاپخانه سپهر، تهران، چ نهم.
۴۷. منصور، جهانگیر، (۱۳۸۵)، قانون مدنی، انتشارات آگاه، تهران، چ بیست و ششم.
۴۸. موسوی بجنوردی، سید محمد، (۱۳۸۶)، حقوق خانواده، اندیشه‌های حقوقی، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چ اول.
۴۹. موسوی سبزواری، سید علی، (۱۴۲۳)، الاستنساخ بین التقنیه و التشریح، بی‌جا، کوثر.
۵۰. مؤمن، محمد (۱۳۸۵)، شبیه‌سازی انواع و احکام آن، کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۶.
۵۱. www.safi.ir (پایگاه اطلاع رسانی آیت الله صافی گلپایگانی، بخش استفتائات).